

این خاطرات روزانه متعلق به خبرنگار تلویزیونی آر د میباشد که در طی اقامتش در بغداد نوشته است و به زبان فارسی برگردانده شده است .

یادداشت‌های روزانه یک خبرنگار آلمانی از بغداد (1) استفان کلوس

19 3 2003 ساعت یک بعد از نیمه شب

بغداد در انتظار حمله

شهر بغداد امشب روشن است زیرا که نور ماه میتابد .
روز بخصوصی است و وضعیت طوری است که انگار دنیا به آخر خود میرسد و آب و هوای شهر نیز با این فضا هماهنگ است .
طوفان کویری شب گذشته ، غبار و مه زرد رنگی را روی شهر بغداد بجای گذاشته است و تا غروب همین طور خواهد ماند .
اما با وجود این گرما به بالای 30 درجه خواهد رسید اینطور به نظر میاید که در این سال بهاری وجود ندارد و پس از زمستان ، تابستان میاید .

کسی که بتواند فرار میکند

ساعت هاست که صدای ماشینی را که از جلوی هتل بگذرد شنیده ام . در طول روز همواره مردم کمتری در خیابانها دیده می شوند .
مترجم من پرسید که آیا میتواند به خانه برود ؟
او میخواست چهار فرزندش را که سه نفر از آنها دختر بچه هستند از بغداد خارج نماید .
راننده ام نیز رفته است زیرا که همسرش بزودی زایمان میکند و نمیخواهد در حین بمباران نوزادش را بدنیا بیاورد .
هیچکس از خروج مردم از شهر بغداد ممانعت نمیکند ، اما همه مردم از داشتن اقوام و خویشاوندان که بتوانند نزد آنها بروند برخوردار نیستند .
ما چهار خبرنگار آلمانی هستیم و من برای آر د تهیه خبر و گزارش میکنم .
خبرنگاران خارجی در سه هتل زندگی میکنند که دو تا از آنها در صد متری وزارت اطلاعات هستند که از اهداف اعلام شده میباشد .
در نزدیکی آن بایستی یک پناهگاه باشد که شاید در خدمت مرکز فرماندهی ارتش نیز باشد .
سومین هتل در پانصد متری قصر رئیس جمهور قرار دارد .
هیچکس پشت بام هتل را علامت گذاری نکرده است و باید اطمینان کنیم که خلبانان بمب افکن از این موضوع با خبر هستند .
اکثر همکاران اطمینان دارند ، حد اقل اینطور میگویند .
من تردید دارم .
ما همه تحت فشار هستیم ، ما فقط میدانیم چیزی پیش میاید و بد خواهد بود .
امروز ضمن پخش مسقیم همکاران من در آلمان بارها از من سوال کردند که آیا در امان

هستیم؟
آیا پناهگاهی وجود دارد؟
هتل یک پناهگاه دارد که به سختی میتواند در مقابل بمباران مقاومت کند.

مشکلات عصبی

ما امروز هم در دفتر کارمان در وزارت اطلاعات کار کردیم. ناگهان یک همکار فرانسوی با گروه فیلم برداری خود به سمت خروجی هجوم آورد و فریاد کشید که تا چهل دقیقه دیگر بمباران شروع خواهد شد. ما ماندیم. پیش از غروب شنیدیم که همه واگن های پخش مستقیم و انتقال اخبار و تصاویر به خارج آماده میشوند با تصمیم خود و بدون دستور از جانب عراقی ها. اکثر خبرنگاران در اینجا و در این لحظه به کار خود مشغولند. در کنفرانس مطبوعاتی از جانب فعالین هوادار صلح که بعنوان سپر زنده حمایت از غیر نظامیان و بیمارستانها خود را قرار دهند، من تنها خبرنگار تلویزیونی هستم. تقریباً صد خارجی که در میان آنها سه آلمانی وجود دارد از طرف عراقی ها حمایت میشوند اینها در هتل مجانی مستقر هستند و غذا را نیز به عنوان هدیه دریافت میکنند. اینها میتوانند آزادانه تصمیم بگیرند که کجا بروند. دو نفر آلمانی از میان آنها به من گفتند که در میان آنها هم جاسوس وجود دارد. من سوال کردم چگونه متوجه آن شدید؟ آنها از صحنه های خنده دار تلاش کردند عکس بگیرند. مسولین عراقی هویت برخی از فعالین هوادار صلح را علنی میکنند. سازمان های کمک رسانی در بغداد هنوز فعالیت میکنند و آپ ان نام دارند. این سازمان در بغداد دارای شبکه ای با دویست عضو است که در میان آنها دکترها نیز وجود دارند. اینها میخواهند پس از شروع جنگ و بمباران هوایی آب و مواد غذایی در اختیار مردم قرار دهند. من هر روز با همسرم تلفنی گفتگو میکنم.

عادی شدن جنگ

امروز در دومین روز جنگ مثل اینکه هیچ اتفاقی نیافتاده باشد. طبیعی است که مردم ترس دارند. اما در بغداد هم وضعیت عادی بنظر میرسد. مردم در خیابانها هستند و شب ها کاملاً روشن است و بغداد بنظر شهری بسیار زیبا میاید. بی معنی است اما این هم وجهی از جنگ است. وجه دیگر واقعیت های جنگ است. ما خبرنگاران در بطن آن هستیم و تلاش میکنیم تبلیغات دریافتی را از حقایق مجزا کنیم.

تبلیغ و ترویج و واقعیات

اینطور گفته میشود که در بغداد هرج و مرج ایجاد شده است. من از این گفته ها چیزی دریافت نکرده ام. یا گفته میشود که در بغداد قبرهای دستجمعی کشف شده است.

از این هم چیزی ندیده ام.
بسیار کم توانسته ام ادعاهای سپاهیان آمریکا را درک کنم.
اخبار متفاوتی میابند که با حقایق منطبق نیستند.
همواره گفته میشود که بغداد مثل یک شهر متروکه میماند.
گاهی بغداد واقعا مثل یک شهر مرده است. اما ظرف یک ساعت دوباره بغداد عادی و یک شهر زیبا بنظر میاید.
پس از اولین حمله هوایی تعداد زیادی زخمی وجود داشت. اینها به بیمارستان منتقل شدند.
من عکس زخمی ها را دیدم و فکر میکنم که عکس ها کاملا جدید و زخمی های واقعی را نشان میدهند.

هیچ جنگی پاکیزه و سالم نیست

کسی نباید آمریکایی ها را باور داشته باشد که این جنگ جنگی پاکیزه و سالم است که در آن قربانیان بسیار قلبی وجود دارد.
هیچ جنگی پاکیزه نیست.
این جنگی غیرقانونی است و یک بازی کامپیوتری هم نیست.
موضوع دیگری هم که مرا به خود مشغول میکند، اطلاعاتیه ها و اخباری است که من از آلمان میشنوم که هارالد اشمیت در برنامه تلویزیونی اش اخبار و گزارشات ارسالی از مناطق جنگی را مسخره میکند.
اینطور نیست.
اینجا انسان ضمن کار با جان خود بازی میکند که کمی نور در تاریکی ها بیاندازد و او در خانه نشسته و خبرنگاران را مضحکه میگیرد.
برای من از اینجا بحث در این مورد امکان ندارد و به نظر من این بی احترامی است.

هیچکس نمیداند که چه پیش خواهد آمد

در این زمان از بغداد بیرون نمیایم.
ما در مرکز مطبوعاتی نشسته ایم. کار روزانه ما دادن گزارش و مصاحبه است و انتظار کشیدن اینکه چه اتفاقی خواهد افتاد.
تنها برای پنج دقیقه بعد میتوان برنامه ریزی کرد و دائما تغییراتی واقع میشوند و هیچکس نمیداند که چگونه ادامه خواهد یافت.....